



با محکوم شدن عمران خان نخست‌وزیر سابق پاکستان به ۳ سال زندان بار دیگر موجی از ناآرامی سراسر این کشور را در بر گرفت

پاکستان ناخوش



موجودمدام افزوده شده است. اکنون با دستگیری وحکم زندان عمران خان و اعتراض هوادارانش، این بی ثباتی تشدید شده است. در این رابطه شاخص های اصلی استمرار و بحران سیاسی را می توان در موارد زیر دسته بندی کرد:

- عدم سازش احزاب مخالف با احزاب حاکم بر سر موضوع زمان برگزاری انتخابات تا پیش از تعیین ماه نوامبر.
- انحلال مجالس ایالتی پنجاب خبیرپختونخواه استان سرحد سابق) و افزایش بی ثباتی ها در این دو ایالت.
- استغای جمع کثیری از نمایندگان تحریک انصاف حزب عمران خان در مجلس ملی.
- سوء استفاده گروه های مذهبی، افراطی و اهل سنت از فضای بی ثباتی فعلی در جهت اهداف فرقه گرایانه با تصویب طرح هایی در جهت تشدید خشونت ها، محدودیت ها علیه شیعیان.

تأثیرات تشدید بی ثباتی سیاسی

افزایش بی ثباتی سیاسی منجر به بحران های امنیتی متعددمدده است که از جمله عوامل موثر در ایجاد بحران موجود را می توان در موارد زیر خلاصه کرد:

افزایش کمی وموثرتر حملات تروریستی طی یک سال گذشته که بیشترین میزان حملات تروریستی بیش از هر سال دیگر طی ۵ سال اخیر بوده که بیشترین درگیری های شدید یک سال توسط گروه های جدایی طلب در مناطق مختلف صورت گرفته است.

یکی دیگر از دلایل این افزایش حملات، جسورتر شدن تروریست هادر منطقه پس از تسلط طالبان بر افغانستان است.

بعضی از کشورهای خارجی و مشخص هند همواره نقش مخربی علیه ثبات پاکستان دارند و نفع خود را در بی سرو سامانی و اختلالات در این کشور رقیب می بینند. لذا گروه های تروریستی مانند حزب مهاجر هند را به لحاظ مالی و لجستیک تغذیه می کنند.

عدم همکاری افغانستان در برخورد با گروه های شبه نظامی و به ویژه تحریک طالبان پاکستان وهمچنین تبدیل افغانستان به پناهگاه امن بلوچ های جدایی طلب و شبه نظامی تحریک طالبان.

تورهای هدفمند رهبران که نمونه آن تلاش برای ترور عمران خان رهبر تحریک انصاف بود که از آن سو مقصد جان سالم به بدر برد. در حالی که عمران خان مدعی شده بود طراحی برای ترور وی توسط تروریست هایی از وزیرستان جنوبی شکل گرفته است، تحریک طالبان پاکستان با انتشار بیانیه ای تلاش برای ترور عمران خان را تکذیب کرد و گفت سیاست ما جنگ مستقیم با سازمان نظامی اطلاعات پاکستان است. البته در حادثه تروریستی اخیر در مسجد پیشاور در حالی که یکی از سخنگویان این حزب مسئولیت حمله را بر سمارعبده گرفته بود، بیانیه صادر شده از سوی تحریک طالبان هر گونه دخالت در این حادثه تروریستی را رد کرده بود و این نشان دهنده مخفی کاری طالبان پاکستان است، زیرا ادامه این اتهامات و گردن گرفتن آن باعث می شود جایگاه خود را به تدریج در بین مردم پاکستان از دست دهند که این امر موجب افزایش فشار افکار عمومی علیه آنها می شود.

حمله تروریستی در اسلام آباد، بعد از یک دوره تقریباً ۱۰ ساله عاری از حمله تروریستی، به پایتخت صورت گرفت. در حمله انتحاری یک عضو تحریک طالبان پاکستان به یک خودروی پلیس یک نفر کشته و چند نفر مجروح شدند که تحریک طالبان بلافاصله مسئولیت آن را بر عهده گرفت.

خط و نشان کشیدن تحریک طالبان پاکستان برای حاکمیت و مردم آن کشور در بیانیه این گروه که موارد تهدیدآمیز متعددی ذکر شده از جمله آمده است: «برای مردم اگر بیریق اردوی مرتد را در موتور [ماشین] با منزل نصب کنید جان و مال تان در خطر است.» «برای عالمان دین اگر نماز جنازه عساکر ارتش و استخبارات را ادا کنید یا علیه جهاد ما انتقاد کنید جان و مالتان حلال است.» «برای رسانه ها اگر هر کدام از کانال های تلویزیونی یا رادیویی یا رسانه های اجتماعی علیه مجاهدین تبلیغ کنند با حملات مرگبار روبه رو خواهند شد.» «و برای وابستگان به نهادهای امنیتی اگر کسی به نفع حاکمیت جاسوسی کرده یا در ای اس ای ایفای نقش کند با حملات مرگبار مواجه خواهد شد.»

فرهتختگان
اتفاقی که بسیاری از جریانات سیاسی چشم انتظار آن بودند، بامداد شنبه به وقوع پیوست. پلیس پاکستان، عمران خان نخست‌وزیر سابق این کشور را برای اجرای حکم دادگاه، بازداشت کرد. دادگاه‌های در پاکستان، عمران خان را به اتهام «فروش غیرقانونی» هدایای دولتی به سه سال زندان محکوم کرده است. این حکم و اجرای آن در حالی است که تنها یک روز قبل از آن، دادگاه عالی پاکستان اعلام کرده بود، روند محاکمه عمران خان را با همین عنوان اتهامی، به‌طور موقت متوقف کرده است. پیش از این دادگاه انتخابات پاکستان نیز در ماه اکتبر، عمران خان را به اتهام «فروش غیرقانونی» هدایای دولتی در دوران نخست‌وزیری محکوم کرده بود. کمیسیون انتخابات پاکستان (ECP) دو هفته قبل در روز دوم مرداد ماه از پلیس اسلام‌آباد خواسته بود تا به تعهدات خود در مورد تبعیت از حکم بازداشت غیرقابل تبدیل به وثیقه صادر شده برای نخست‌وزیر سابق این کشور و رئیس حزب تحریک انصاف پاکستان (PTI) اقدام کند. نخست‌وزیر سابق پاکستان که از سال ۲۰۱۸ تا آوریل ۲۰۲۲، قدرت را در اسلام‌آباد در دست داشت، می‌گوید پس از برکناری اش ۷۶ پرونده علیه او گشوده شده‌است. سرنگونی عمران خان در پی ناراضیاتی آمریکا از سقوط کابل به دست جناح نزدیک به پاکستان در طالبان که مورد حمایت نخست‌وزیر وقت پاکستان قرار داشتند و همچنین سفری به مسکو در نخستین روز تهاجم روسیه به اوکراین رخ داد. در همین رابطه شورای امنیت ملی آمریکا در نامه‌ای به سفارت پاکستان در واشنگتن به دولت این کشور گوشزد کرده بود اگر عمران خان در برابر طرح مخالفان برای سسقوط دست به مقاومت بزند، این اقدام برای کل کشور دارای عواقب خواهد بود. عمران خان پس از برکناری با فشارهای بیشتری مواجه شد. او برای نخستین بار روز سه‌شنبه ۱۹ اردیبهشت بازداشت‌شده اما به خیابان آمدن طرفداران وی و حملاتی که به یادگان های ارتش و حتی منزل رئیس ستاد مشترک ارتش پاکستان صورت دادند، باعث شد وی به سرعت آزاد شود. رویارویی طرفداران عمران خان با ارتش نقطه عطفی در تاریخ پاکستان در صفرآری در مقابل قدرتمندترین نهاد کشور بود. در رندهای پس از این تحول، تحت فشار شدید ارتش و نهادهای همراه آن، تعداد زیادی از اعضای برجسته حزب تحریک استعفا دادند. تنها در یک مورد، در ۲۶ تیرماه، ۵۷ نفر از اعضای حزب عمران خان عمدتاً شامل قانونگذاران سابق و دیگر سیاستمداران شناخته‌شده، اعلام کردند از حزب تحریک انصاف جدا شده و حزب انشعابی جدیدی تحت عنوان «اعضای پارلمانی تحریک انصاف» را تشکیل می‌دهند. حالا با دستگیری عمران خان و محکومیت وی به سه سال زندان و پنج سال محرومیت از فعالیت‌های سیاسی، حزب تحریک انصاف با توجه به محبوبیت بالا و احتمال پیروزی اش در انتخابات پارلمانی آتی به محاق رفته‌است. نخست‌وزیر پیشین پاکستان در فیلمی که پیش از بازداشت برای انتشار در صورت اقدام ارتش ضبط کرده بود، از مردم خواسته بدون آنکه دست به تخریب بزنند راهی خیابان ها شده و ساکت نشینند. یاید دید آیا ارتش، نهادهای احزاب هم‌پیمان آن این بار نیز در برابر بازداشت عمران خان عقب می‌نشینند یا این بار خان واقع‌ادر غل و زنجیر باقی می‌ماند.

روند

از فروردین سال ۱۴۰۱ عرصه سیاست داخلی پاکستان با سقوط دولت قانونی عمران خان وارد دور جدیدی از بی ثباتی سیاسی گردید که این موضوع منجر به استمرار فراینده بحران اقتصادی شد و با افزایش بی ثباتی مذکور در سطح کشور، موج جدیدی از خشونت ناشی از تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی طلبی سراسر کشور را فرا گرفته است. عین‌شدن بحران‌های ترکیبی مذکور (سیاسی، اقتصادی، امنیتی) با تکثر و پیچیدگی های نیات، اهداف و اقدامات نقش آفرینان مؤثر در این بحران هاهرچه بیشتر بر ابهامات اثر کشور افزوده است. امروزه با بازداشت عمران خان، روندی که طی دو سال اخیر آغاز شده به سمت شدت یافتن سوق خواهد یافت.

نقش آفرینان موثر

نقش آفرینان موثر در عرصه قدرت امروز پاکستان را می‌توان در یک قالب کلی به ۳ دسته تقسیم کرد که بررسی اهداف و نیات هر دسته به خوبی روشن می‌کند که اهداف نقش آفرینان حاضر در هر بخش به تنهانشان باشد و همچنین جنبه‌ها و بلک‌ه بعضاً کاملاً متضاد و متناقض یا یکدیگر هستند و همین امر بر پیچیدگی های اوضاع افزوده است. این نقش آفرینان به شرح زیر هستند:

عناصر رسمی قدرت

ارتش و سرویس های امنیتی، دولت یعنی حزب حاکم و احزاب موثلف، جناح مخالف و احزاب متحد، قوه قضائیه، قوه مقننه یعنی مجالس ملی، سنا و ایالتی.

نقش آفرینان غیررسمی موثر

مدارس مذهبی، گروه‌های مذهبی شیعه، جماعت تبلیغ … و احزاب و گروه‌های افراطی تحریک لیبیک، گروه‌های افراطی مذهبی، تروریستی و شبه‌نظامی (سپاه صحابه، تحریک طالبان پاکستان، داعش و…) و همچنین گروه‌های قومی افراطی و شبه‌نظامی (جنیش تحفظ پشتون، ارتش آزادینخواه بلوچ و…).

نقش آفرینان خارجی موثر

کشورهای آمریکا، ایران، عربستان سعودی، افغانستان، انگلیس، امارات و… که به نحای مختلف باقوه و بافعل دارای قدرت هستند.

بحران سیاسی

بحران سیاسی موجود در اسلام آباد دارای ابعاد و شاخصه‌های متعددی است. با سقوط دولت عمران خان، کشور از دوره ثبات سیاسی نسبی که از آن برخوردار بود کاملاً خارج شد و بر بی ثباتی

یادداشت

بررسی همکاری ایران و روسیه در حوزه فناوری های نوین نظامی و نقش ایالات متحده و دیگر قدرت‌ها در آن

دشواری‌های در یافت سوخو-۳۵

احمد رضا تمدن – سعید محمدی‌کاوند

پژو هشگرون حوزه بین‌الملل

در گذر زمان، در بحبوحه اصطکاک لایه‌های پیچیده و درهم‌تنیده سیاست بین‌الملل، تصمیم‌سازی‌ها و عملکرد قدرت‌های صاحب نفوذ در غرب و شرق عالم، توجه بسیاری از کارشناسان را به خود معطوف کرده است.

روسیه به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و عمده در این جریانات، با به‌کارگیری پتانسیل دیپلماتیک در زمینه‌های مختلف به‌خصوص در نزدیک شدن هرچه بیشتر به متحدان خود و استفاده حداکثری از داشته‌های آنان تلاش کرده است تاثیر خلأ ناشی از تحریم‌های جاری غرب را به حداقل ممکن کاهش دهد. ایران نیز به‌عنوان یکی از کشورهای دارای منابع غنی که در حوزه سیاست اغلب به اتخاذ مواضعی مستقل از غرب می‌پردازد، همواره در کانون توجه مقامات روسیه قرار داشته است. در این رابطه، در طول دهه‌های گذشته، خیریهایی مبنی‌بر همکاری دوجانبه طرفین بالاخص در حوزه فناوری‌های نوین (نظامی) در رأس اخبار جهان قرار گرفته است.

در آخرین مورد موضوع خرید جنگنده‌های سوخو-۳۵ از روسیه، حواشی زیادی چه برای ایران و چه برای روسیه از جانب بازیگران مختلف در سطح بین‌الملل به همراه داشته است. این دست حواشی چند سال پیش‌تر زمانی که ایران قصد خرید سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ از روسیه را داشت نیز تکرار شد و ایران پس از کش‌وقوس‌های فراوان موفق به دریافت این سامانه شد. در جریان ساخت نیروگاه اتمی بوشهر نیز این خط سیر به‌وضوح خودنمایی می‌کرد.

یکی از دلایل مخالفت برخی قدرت‌های بین‌الملل با انتقال این تجهیزات به تهران، سابقه نخبگان ایرانی در مهندسی معکوس و ارتقای این تجهیزات است. هم‌اکنون نیز جست‌وگریخته‌نگرانی‌هایی از انتقال تسلیحات غربی به غنیمت گرفته شده در اوکراین به ایران وجود دارد. این نگرانی تا جایی است که رژیم‌صهیونیستی یکی از دلایل عدم‌دخالت جدی و ارسال تسلیحات مدرن به اوکراین را نگرانی و واامه خود از دستیابی تهران به این تسلیحات و انجام مهندسی معکوس روی آنها اعلام کرده است.

ایران بارها در اتنای اعلام مواضع سیاست‌خارجی خود در صحنه بین‌الملل بر شعار نهرشقی، نغربیی و پرهیز از دیپلماسی التماسی فشاری کرده است؛ البته در مواردی ممکن است در میزان عمل به این شعار به یک اندازه اهتمام نورزیده باشد. با این حال عزم راسخ ایران در حرکت به‌سمت مهندسی معکوس و تشویق نهادهای و اشخاص به راه‌اندازی سازمان‌ها و شرکت‌های دانش‌بنیان، موید اراده این کشور در حرکت به‌سمت حضور در لبه علم و فناوری است؛ همچنان‌که در صحنه نبرد روسیه و اوکراین نیز شاهد خودنمایی قابلیت‌های تکنولوژیک پهپادهای ایرانی بوده‌ایم. این موضوع مبین تشخیص ظرفیت پتانسیل غرب در معامله و مواجهه با ایران به‌خصوص پس از انقلاب ۱۹۷۹ از سوی مقامات در تهران است. تهران در طول سالیان اخیر به‌درستی دریافته است هرگز احتمال به ثمر رسیدن قراردادهای حساس با طرف‌های غربی به مانند قراردادهای پیش از انقلاب ۱۹۷۹ ایران وجود ندارد.

تا پیش از انقلاب ۱۹۷۹، روابط حسنه ایران با غرب و به‌ویژه ایالات متحده، روابطی راهبردی و تا حدی بربنمای اعتماد متقابل بود. دلیل این امر نیز عدم‌وجود هرگونه موانع بفرنج دیپلماتیک از قبیل دخالت طرف سوم در روابط فی‌مابین بود. برای نمونه در آخرین معامله سنگین تسلیحاتی میان ایران و ایالات‌متحده تعداد ۷۹ جنگنده اف ۱۴ در نهایت امر تحویل ایران شد. در فرآیند خرید جنگنده‌های مدرن و نوسازی ناوگان نیروی هوایی شاهنشاهی ایران، محمدرضا پهلوی تمایل به خرید جنگنده‌های فوق مدرن اف ۱۵ نیز داشت که به‌واسطه مخالفت‌های موجود میان مقامات آمریکایی این موضوع حداقل تا زمان سرنگونی وی، به نتیجه نرسید. درنهایت امر با هزینه‌کرد بالا و کمک به شرکت سازنده جنگنده‌های اف ۱۴ برای فرار از ورشکستگی، ایران موفق به اخذ قرارداد خرید جنگنده‌های اف ۱۴ شد. در این ماجرا ردیابی (حداقل پرنگ) از دخالت طرف سوم در این خرید حساس دیده‌ نمی‌شود.

اکنون اما در بحبوحه روابط پیچیده سیاسی در سطح بین‌الملل و تلاش مستمر ایران در اجتناب از تأثیرات تحریم‌های ایالات‌متحده، هر نوع قراردادی که متضمن ورود فناوری‌های نوین به ایران باشد به دقت مورد بررسی و رصد قدرت‌های بزرگ دنیا قرار دارد. این حساسیت در حوزه فناوری‌های نظامی دوچندان و بلکه به‌مراتب شدیدتر است. محدودیت‌های ناشی از این حساسیت بارها و بارها به شکل تأخیر در ورود کالا یا حتی لغو یکجانبه قراردادهای مهم نمایان شده است. برای نمونه ارسال سامانه دفاع موشکی اس ۳۰۰ پس از عقد قرارداد میان ایران و روسیه با کشمکش‌های فراوان پس از ۹ سال به سرانجام رسید. حتی پس از این تأخیر طولانی در تحویل سامانه اس ۳۰۰، باز هم ایالات‌متحده و هم‌پیمانان او (مانند رژیم‌صهیونیستی) دست از انتقاد از روسیه برنداشتند. با درنظر گرفتن شرایط، دخالت‌ها و کارشکنی‌های موجود، بی‌شک یکی از گزینه‌های پیش‌فرض و صدا البته اجتناب‌ناپذیر پیش‌روی ایران، حرکت به‌سمت توسعه فناوری‌های نوین در سطوح بومی است. به‌نظر می‌رسد این‌بار نیز تحت‌تأثیر همین دست فشارها، قرارداد دریافت جنگنده‌های سوخو-۳۵ در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته و مقامات ایران در واکنش، موضوع بومی‌سازی و خوداکتایی در تولید جنگنده‌را مورد تأکید قرار داده‌اند؛ هرچند این تأکید می‌تواند فراری رو به جلو باشد، اما درمورد ایران شاید معجالی جز این وجود نداشته باشد. علی‌رغم تلاش قدرت‌ها علیه ایران در عرصه جهانی، اتکا به تقویت توانمندی‌های بومی همزمان با تلاش‌های پررنگ در انتقال تکنولوژی‌های به‌روز به داخل کشور، راهی مطمئن در تأمین منافع بلندمدت ایران در عرصه علم و فناوری‌های نوظهور است.

۳ اگر پاکستان سلاح اتمی نداشت قطعاً هند طور دیگری رفتار می‌کرد، همان‌طور که در تجزیه پاکستان و از بین رفتن پاکستان شرقی وتبدیل آن بهبنگلادش،خانم گاندی باکمک روس‌هایشیخ‌مجیب‌الرحمن،رهبر احسائاتی‌بنگلادش،التحریک کردنوپاکستان تجزیه‌شد،زیرا در آن زمان هندبودطرفدار اردوگاشرق

با محوریت شوروی بود و پاکستان عضوی از پیمان دست‌ساخته غرب به‌نام‌ستوبه‌شمار می‌رفت. این‌گونه بود که پاکستان شرقی تبدیل بهبنگلادش شد وهندی‌ها در قسمت‌غرب پاکستان نیز با حمایت از الطاف حسین، رئیس حزب قوم‌مهاجر در جهت جدایی استان سنداز ۴ استان دیگر پاکستان برآمدند و خان عبدالولی خان مستقر در پیشاور مرکز استان خبیرپختونخواه با حمایت مشترک هند و روس‌ها به‌ذنبال جد کردن استان سرحد بود.

همچنین کشمیر که مانند رخم در بدنه جهان اسلام است برخلاف مصوبات سازمان ملل علی‌رغم اینکه اکثریت آن مسلمان هستند توسط هند اشغال شد و در بلوچستان نیز انگلیسی‌ها بیکار نیستند.

در رأس حکومت پاکستان در زمان‌های مختلف بسته به میزان قدرت نفوذ شخصی، افراد مذکور با یک قانون اساسی واحد، گاهی رئیس‌جمهور قدرت اول کشور بوده و گاهی نخست‌وزیر. مثلاً در زمان ریاست جمهوری ضیا الحق وی از نخست‌وزیرش «محمد خان جوینیجو» قدرت بیشتری داشت و نفر اصلی کشور بود و برعکس در زمان نخست‌وزیری خان بوتو، غلام اسحاق خان «رئیس‌جمهور بود ولی خانم بوتو قدرت بیشتری داشت، بنابراین همین تزلزل و عدم ثبات در ساختار تقسیم قدرت یکی از عوامل ناپایداری پاکستان است.

در اوایل حکومت جدید پاکستان به‌عنوان کشوری کاملاً منظم و معتبر در میان کشورهای منطقه و جهان و جزء کشورهای درجه اول مسلمان به‌حساب می‌آمد ولی به تدریج تحت‌تأثیر عوامل فوق‌الاشاره و برخی عوامل دیگر این کشور بزرگ و مهم و پرجمعیت اسلامی از درون و بیرون هر روز بیش از گذشته تضعیف شده است.

امروز تنها عامل جلوگیری از فروپاشی پاکستان و جدایی ۴ استانش، ارتش مقتدر آن است. درحقیقت این ارتش بوده که همواره حرف اول و آخر را در پاکستان زده است. قریب به ۳۰ درصد بودجه این کشور صرف ارتش می‌شود و مهم‌ترین سازمان اطلاعاتی کشور ای اس ای متعلق به ارتش کشور است و به‌جز ذوالفقار علی بوتو و دخترش بی‌نظیر و نواز شریف و عمران خان و شهباز شریف بقیه روسای پاکستان از بعد از محمدعلی جناح که از سرالشرک اسکندرمیرزا شروع می‌شوند تقریباً همگی نظامی بودند و مردم پاکستان اعم از خواص و عامه مردم ارتش را نجات بخش خود و موجب قوام کشوری دانند. اکنون نیز بدون اقتدار ارتش پاکستان حتی یک روز هم نمی‌تواند به‌طور منسجم‌فای بماند.

زمانی پاکستان به ۵ ایالت سند، پنجاب، سرحد، بلوچستان و پاکستان شرقی تقسیم می‌شد که پاکستان شرقی اعلام استقلال کرد. مردم اعتراض به دین مسالیه‌به‌خیابان ریختند و ذوالفقار علی بوتو که اهل سند بود با تیاتیمت مردم سند محبوب ملت شد و حزب سوسیال دموکرات ایجاد کرد. وی که در زمان ایوب‌خان وزیر خارجه و کارآمدترین و مشهورترین وزیر خارجه در تاریخ پاکستان بود، حزبی به نام مردم تأسیس کرد که در برابر حزب مسلم لیگ که حزب مسلمانان سنتی و ریشه‌دار پاکستان بود و توسط محمدعلی جناح تأسیس شده بود، قرار گرفت. آقای بوتو یکبار در یک میتینگ بزرگ در پاسخ به برخی نسبت‌ها که به اومی دادند گفت که من اگر شراب می‌خورم ولی خون مردم را نمی‌خورم. وی بعدها توسط کدی ضیا الحق ساقط شد و بعد از مدتی رئیس جدید که با کودتا بر سر کار آمده بود، بوتو را که بارای مردم به‌قدرت رسیده بود، اعدام کرد. اعدام بوتو غرب و شرق عالم را در برابر ضیا الحق قرار داد و حتی شاه ایران نیز در مقابل وی قرار گرفت. شاه به پاکستان بسیار نزدیک و عملاً حامی غیرمستقیم پاکستان در مقابل‌هاش با هندی بود و در ۳ جنگ میان هند و پاکستان عقبه پاکستانی‌ها بود. زمانی که تهران از واشگتن تاکن ام ۶۰ خریداری کرد بارضایت آمریکایی هاتانک‌های ام ۴۸ را به پاکستان داد ولی با اعدام بوتو این رویه تغییر کرد و پهلوی در اعتراض به اوسفری به هند کرد و قراردادی با آنها منعقد کرد که از آن کشور سنگ آهن برای ذوب آهن یابورد و ذوب آهن خریداری شده در شوروی را با سنگ آهن خریداری شده از هندوستان تکمیل کرد و عملات‌زمانی که شاه ساقط شد رابطه گرمی با ضیا الحق نداشت.